

## یادداشت

ماهنامه ادبی صدای شرق ارگان اتحادیه نویسندگان تاجیکستان است که به زبان فارسی (یا به قول خودشان تاجیکی) و خط سیریلی در دوشنبه پایتخت تاجیکستان منتشر می‌شود. در شماره چهار سال ۱۹۸۹ این ماهنامه خیر برگزاری کنفرانسی درباره مسائل زبانی و فرهنگی در این جمهوری بدون اشاره به تاریخ و محل برگزاری آن درج شده و در پی آن خلاصه بعضی از سخنرانیهای کنفرانس تحت عنوان «مسأله‌های مدنیت سخن» به چاپ رسیده است. در پایان نیز ذکر شده که قطعنامه کنفرانس به شورای عالی جمهوری ارسال شده و از آنان خواسته شده است تا ماده‌هایی درباره زبان تاجیکی در قانون اساسی تاجیکستان بگنجانند. آنطور که از خبرها برمی آید<sup>۱</sup>، این درخواست که احتمالاً زمینه‌های گسترده تری داشته مورد قبول واقع شده و اینک با اصلاح قانون اساسی تاجیکستان، زبان تاجیکی به صورت زبان رسمی دولتی این جمهوری درآمده است.

آنچه در زیر می‌آید بخشهایی از این سخنرانیهاست که مشکلات زبان فارسی و فارسی‌زبانان تاجیکستان را نشان می‌دهد. برخی از این مشکلات و مسائل گریبانگیر ما نیز هست و بعضی دیگر اختصاص به تاجیکها دارد و ناشی از اوضاع و احوال خاص تاریخی و فرهنگی آنهاست. در هر حال اطلاع از این مسائل برای خوانندگان ایرانی بی‌فایده نیست.

از آنجا که معنای برخی کلمات مشترک میان فارسی ادبی ایران و فارسی ادبی تاجیکستان متفاوت است، و نیز از آنجا که برخی کلمات رایج در تاجیکستان برای ایرانیها نامأنوس است، در حاشیه معادل ایرانی اینگونه کلمات داده شده است. برای این کار از دو فرهنگ زیر کمک گرفته شد:

1) *Tadzhiksko-russkii Slovar' Lughati tojiki-rusi*, Pod redaktsiei M.V. Rahimi i L.V. Uspienskoj, Gos. izd-vo-inostrannykh i natsional'nykh Slovarei, Moskva-1954.

۲) فرهنگ زبان تاجیکی (از عصر دهم تا ابتدای عصر بیستم). در زیر تحریر م.ش. شاکراف (و دیگران)، مسکو، نشریات Sovietskaia Entsiklopedia، ۱۹۶۹، (دو جلد)<sup>۲</sup>.

یادآوری این نکته لازم است که معادل برخی از کلمه‌ها و ترکیبهای نسبتاً نامفهوم یا نامأنوس در فرهنگهای فوق یافت نشد.

۱) نشر دانش، سال ۹، شماره ۵، ص ۹۸.

۲) در آوانکاری لاتین عناوین فرهنگهای فوق از کتابشناسی این منبع استفاده شده است: «توسعه زبان ادبی تاجیکی: روسی کردن، اروپایی کردن یا بین‌المللی کردن»، یان.و. ریهور، ترجمه عبدالحسین آذرنگ. مندرج در آرام‌نامه، تهران، ۱۳۶۱، ص ۲۳۱-۲۰۳. مطالعه این مقاله برای کسانی که بخواهند از وضع زبان فارسی در تاجیکستان باخبر شوند بسیار سودمند است.

# مسائل زبان فارسی در تاجیکستان

بازنویسی و حواشی از محسن شجاعی

## مسأله‌های مدنیت سخن<sup>۱</sup>

با تشبث<sup>۲</sup> آکادمیای علمها و وزارت معارف تاجیکستان پیرامون مسأله‌های مدنیت سخن کانفرنسیای<sup>۳</sup> ریسپوبلیکوی<sup>۴</sup> دایر گردید. متن مختصر بعضی معروضه<sup>۵</sup> و گزارشها و قراره<sup>۶</sup> کانفرنسیای مذکور را به خوانندگان پیشکش می‌نمایم.

● شرف‌الدین رستم‌اف: ما در زمان نو از منبر<sup>۷</sup> بازسازی<sup>۸</sup> از مقام و تقدیر<sup>۹</sup> زبان تاجیکی، از حُسن و قُبَح نطقمان<sup>۱۰</sup> سخن می‌کنیم. مدنیت سخن قسم ترکیبی<sup>۱۱</sup> مدنیت خلق است. درجه<sup>۱۲</sup> و انکشاف<sup>۱۳</sup> آن به تاریخ خلق، پیشرفت علم و مدنیت، ادبیات و صنعت، شرایط مساعد و تطبیق ماهرانه سیاست لنینی پارتیا<sup>۱۴</sup>، تعلیم زبان و ادبیات، دانش و ذکاوت اهل علم و ادب، معارف و مدنیت، مطبوعات و نشریات، رادیو و تلویزیون، کینو<sup>۱۵</sup> و تیاتر، رعایه<sup>۱۶</sup> نورما<sup>۱۷</sup> و اسلوبهای زبان ادبی، قاعده‌های املا، طرز تلفظ، کلمه‌سازی، کلمه‌بندی، جمله‌سازی، استفاده عاقلانه ثروت لغوی زبان مربوط است.

امروزها مسأله زبان و مدنیت سخن، که قسم مهم مسأله ملی است، در مرکز دقت پارتیا و حکومت قرار گرفته است. در ریسپوبلیکای ما دانشکده‌هایی<sup>۱۷</sup> هستند که در آنجا نه زبان تاجیکی را می‌آموزند و نه به آن تعلیم می‌دهند. باید در همان مکتبهای عالی<sup>۱۸</sup> و میانه‌ای<sup>۱۹</sup> مخصوص از فن ادبیات و زبان مادری امتحان گرفته شود و تعلیم به زبان تاجیکی بی‌یگان<sup>۲۰</sup> استشنا جاری کرده شود. [تأکید از متن اصلی]. در ریسپوبلیکای ما بسیاری حجتها<sup>۲۱</sup> به زبان ما نوشته نمی‌شوند، در اسلوبِ کاربری<sup>۲۲</sup> رسمی و علمی، زبان تاجیکی کمی در کم استفاده می‌شود. راهبرانی که زبان تاجیکی را نمی‌دانند کم نیستند. محض<sup>۲۳</sup> همین وضعیت ناگوار امروزه زبان تاجیکی و ادار می‌نماید که به زبان تاجیکی مقام دولتی داده شود [تأکید از متن اصلی]. این تدبیر خلاف تعلیمات کلاسیکان مارکسیزم-لنینیزم نیست.

در روزهای ما تأثیر اسلوب پوبلیسیستیکا<sup>۲۴</sup> به همه اسلوبهای دیگر زبان ادبی به نظر می‌رسد. البته این حالت به مقام مطبوعات و عموماً واسطه‌های اخبار عموم<sup>۲۵</sup> مربوط می‌باشد. حالا تأثیر زبان مطبوعات خیلی کلان است، اعتبار آن تارفت<sup>۲۶</sup> می‌افزاید، با وجود همه این در زبان واسطه‌های اخبار عموم، مخصوصاً روزنامه‌ها که از آنها امکان سره را از ناسره جدا کردن ما نسبتاً بیشتر است، کمبوده و نقصانها کم نیستند. در آنها بی‌یگان ضرورت کلمه‌های اقتباسی استفاده می‌شوند. به جای کلمه‌های لحظه، ذخیره، ماده<sup>۲۷</sup>، متن، اجتماعی، کفالت، استفاده کلمه‌های مامنت (مامنت حاضر را)، رزرو، پونکت، کانتکتست، ساتسیالی، گزنتیا ضرورتی ندارد. در زبان مطبوعات ما کمبوده‌های املائی و گراماتیکی، استفاده بی‌مورد واسطه‌های گراماتیکی<sup>۲۸</sup>، علامتهای کتابت، عباره و جمله‌های صُنعی ساخت کم نیستند.

برای برهم دادن<sup>۲۹</sup> کمبوده‌های زبانی و بلند برداشتن<sup>۳۰</sup> سطح مدنیت سخن و تغییر تعلیم زبان از کودکستان تا دانشکده‌های عالی، تدقیق<sup>۳۱</sup> زبان واسطه‌های اخبار عموم و آثار نویسندگان، موافق نقشه آموختن وضع<sup>۳۲</sup> زبان تاجیکی، مناسبت<sup>۳۳</sup> زبان و نطق و زبان و شیوه<sup>۳۴</sup>، مناسبت زبانها، از نویدن قاعده‌های املا و الفبا، تألیف سلسله رساله‌ها دایره تعلیم زبان و ادبیات، لغتهای<sup>۳۵</sup> تفسیری و دوزبانی، لغتهای خرد و کلان گفتگو و موضوعات نیز از تدبیرهای اساسی به‌شمار می‌روند.

● رزاق غفاراف: مدنیت سخن درستی نطق و فصاحت نطق را فرامی‌گیرد. که با هم علاقه ناگستنی دارند. آن نطق درست است که موافق معیارهای جاری و مسلم زبان گفته و نوشته می‌شود. امروز سخنرانی طبقه گوناگون اجتماعی را از منبر مجلس<sup>۳۶</sup> و

(۱) فرهنگ زبان

(۲) ابتکار

(۳) کنفرانس

(۴) صفت از کلمه ریسپوبلیکا = جمهوری

(۵) سخنرانی

(۶) قطعنامه

(۷) تریبون

(۸) پروستریکا(؟)

(۹) ارزش

(۱۰) گفتار

(۱۱) جزء سازنده

(۱۲) سطح، مرحله

(۱۳) رشد، تکامل

(۱۴) حزب

(۱۵) سینما، فیلم

(۱۶) نرم، هنجار

(۱۷) دانشگاهی

(۱۸) مؤسسات آموزش عالی

(۱۹) دبیرستانها

(۲۰) بی‌هیچ

(۲۱) اسناد، مدارک

(۲۲) اداری

(۲۳) تنها، فقط

(۲۴) ادبیات سیاسی-اجتماعی

(۲۵) رسانه‌های گروهی

(۲۶) پیوسته، دائماً

(۲۷) ماده قانون، بند

(۲۸) ابزار گرامری

(۲۹) پایان دادن به، از بین بردن

(۳۰) ارتقاء

(۳۱) بررسی، تجزیه و تحلیل

(۳۲) موقعیت

(۳۳) رابطه

(۳۴) لهجه، گویش

(۳۵) فرهنگ، لغتنامه

(۳۶) جلسه، نشست

جمع آمده‌های<sup>۳۷</sup> کلان، از رادیو و تلویزیون شنیده، اظهار قناعت مندی<sup>۳۸</sup> می‌کنیم، که زبان ادبی گفتاریمان مایلِ تشکل است و همواره رونق می‌گیرد. با این همه گفتن ممکن نیست<sup>۳۹</sup> که نطق ادبی شفاهی ما امروز کاملاً شکل گرفته است و اهل سواد، به خصوص ضیائیان<sup>۴۰</sup> در سخنرانی عاموی به آن پوره<sup>۴۱</sup> رعایت می‌کنند. گاه<sup>۴۲</sup> شاهد واقعه‌های ناهنجاری می‌شویم که ضیائیان ما، آنهایی که دانستن زبان مادری برایشان امر حتمی است، به زبان مادری درست حرف زده نمی‌توانند. استفاده نابرجای کلمه و تعبیرهای شیوه‌گی<sup>۴۳</sup> و اقتباسی، ساختن عباره و جمله‌های نیم‌کاره و پای در هوا، رعایه نکردن به عادی‌ترین قاعده‌های تناسب اعضای جمله - همین‌هاست قسمتی از مهمترین علامتهای این طرز سخنرانیهای بوقلمون.<sup>۴۴</sup> کس این طرز گپ‌زنی را از دهان راهبران مسؤول، از زبان آرتیستان نامی و عالمان عالی‌رتبه شنیده، نهایت آتشین می‌شود، به خود می‌پیچد، زیر آب و عرق می‌ماند<sup>۴۵</sup> و می‌خواهد با تمام آواز فریادزنان بگوید: های مردم، های برادران و خواهران عزیز، شما چگونه آدمان باسواید که به زبان مادری خود، به زبانی که شهرت جهانی دارد و یکی از زبانهای بسیار موزون و گوش نواز دنیاست گپ زده نمی‌توانید، به این گنج بی‌بها، این درجه بی‌پروا و بی‌اعتنائید! این نقص جدی ملی است. به نظر من این محصول همان علت سیاسی است، آن علتی است که بنا بر بی‌اعتنائی در حق زبانهای ملی، تنگ و محدود کردن آزادی و مقام دولتی آنها به ظهور آمده بود. در مجلس و جمع آمده‌های عاموی بیشترین، قریب همه راهبر اداره و مؤسسه‌ها از پایان<sup>۴۶</sup> تا بالا به زبان مادری سخن نمی‌کردند. در مجلسها حالت‌های فشار آوردن به سخنگویی که به زبان مادری گپ می‌زدند نیز کم واقع نگشته است. در چنین وضعیت سر استفاده زبان ادبی میان عامه هوس و احتیاجی نماند. این حال شوق و ملکه زبانی را بر باد داد، بلکه گشت.

نزدیک آوردن زبان ادبی به عامه طرزی صورت گرفت که به قطار<sup>۴۷</sup> یک گروه کلمه، شکل و واسطه‌های گراماتیکی شایسته، بسیار عنصرهای غیر ادبی و نادرکار نیز به زبان ادبی راه یافتند. این بود که استفاده از اصالت سخن کلاسیکی به حدی محدود گردید. سالیهای شصت چشم انداز جمعیتی و آسته‌تیکی خلق با معیار و قاعده‌های زبان تغییر یافت، احیای نورماهای عنعنوی<sup>۴۸</sup> که قسماً یا تماماً فراموش شده بودند، فرو گذاشت همه آن واسطه‌های محدود و تصادفی که حسن بیان را خلل دار می‌کردند، شروع گردید. در این اثنا همچنین استفاده از عنصرهای سالم و قابل لهجه‌های کوهستان<sup>۴۹</sup> زیاده پهنای یافت. تکمیل سویه<sup>۵۰</sup> عمومی مدنیت خلق، خودشناسی ملی، به وجود آمدن ضیائیان تازه فکر، رواج مناسبت‌های مدنی<sup>۵۱</sup> با همسایه‌های هم‌زبان عامل اساسی جاری گشتن روش مذکور قرار گرفتند. متأسفانه بعضی زبان‌شناسان این تمایل فعال را درست درک و تشخیص نکردند و در خصوص قسمی از پدیده‌های تازه عقیده‌هایی پیش راندند که خلاف اقتضای زمان و انکشاف کنونی نورماهای ادبی اند. این جا نیز رعایه اعتدال، سلیقه سخن سنجی می‌باید. مداخله به پراتسهای<sup>۵۲</sup> فعال انکشاف زبان ادبی، معین ساختن پدیده‌های سره و سقط<sup>۵۳</sup> در پایه بررسیهای علمی، دادن توصیه‌های درکاری<sup>۵۴</sup> به عامه در این باب از جمله واجب‌ترین وظیفه‌های زبان‌شناسان است. ما باید جمع واسطه‌های نو را از آن جهت جانبداری نمائیم که برای بازهم پایدار و قویتر گشتن روح زبان تاجیکی و اسلوب ملی آن کمک کنند.

● بحرالدین کمال الدین اف: موضوع بحث حسن بیان را که حالا در مکتبهای میانه و عالی تعلیم داده می‌شود، دو مسئله تشکیل می‌دهد: یکم، امکانات اسلوبی ثروتهای فانتیکی<sup>۵۵</sup>، لغوی، فرازیالوگی<sup>۵۶</sup>، سمانتیکی<sup>۵۷</sup>، کلمه‌سازی و صرفی و نحوی زبان؛ دویم،

- (۳۷) گردهم آیی  
(۳۸) رضایت  
(۳۹) نمی‌توان گفت  
(۴۰) این کلمه در فرهنگها یافت نشد. اما گویا معادل «تحصیل کرده» باشد.  
(۴۱) کاملاً، تماماً  
(۴۲) گاهی، بعضاً  
(۴۳) لهجه‌ای، گویشی  
(۴۴) نااستوار  
(۴۵) عرق عرق می‌شود  
(۴۶) الف: زیر، پایین؛ ب: پایان، انتها

- (۴۷) در ردیف، در کنار، به همراه  
(۴۸) سنتی  
(۴۹) گویا منظور از لهجه‌های کوهستان، گروه مرکزی از گویشهای چهارگانه تاجیکی باشد که در «سوخ، ریشتن و زرافشان» تکلم می‌شود و «معیار تلفظ تحصیل کرده‌های تاجیک است». رک. اقوام مسلمان اتحاد شوروی، شیرین آکیر، ترجمه علی خزاعی فر، آستان قدس، ۱۳۶۶، ص ۳۷۷.  
(۵۰) سطح، مرتبه  
(۵۱) روابط فرهنگی  
(۵۲) پروسه، روند  
(۵۳) بیهوده، به درد نخور [فرهنگ معین: غلط، نادرست]  
(۵۴) ضروری، مبرم  
(۵۵) فونتیکی  
(۵۶) اصطلاح‌شناسی  
(۵۷) معناشناسی

اسلوبیات یا مجموع اسلوبهای زبانِ حاضرۀ تاجیک: علمی، رسمی، بدیعی<sup>۵۸</sup>،  
 روزنامه‌نگاری و معیسی<sup>۵۹</sup>. تجربه نشان داد که در دایرۀ تنها همین مسأله‌ها صورت گرفتن  
 تعلیم اسلوب‌شناسی نتیجۀ دلخواه نمی‌دهد. به عقیدۀ من باید موضوع بحث این فن تکمیل  
 داده شود، زیرا هنگام مقرر نمودن<sup>۶۰</sup> مسأله‌های اساسی تعلیم این فن بیشتر به دیگران تقلید  
 کرده، به دست فراموشی سپاریده‌ایم که بسیار جنبه‌های حسن بیان از جمله ثروت لغوی،  
 غنای معنای و روشن و رسا افاده کردن آن، تناسب آوازهای ترکیب کلمه و عباره، عنصرهای  
 شکلی، راههای کلمه‌سازی و غیره مورد تدقیق قرار گرفته بودند، حتی از قبیل بلاغت،  
 معانی، بیان، بدیع علمها وجود داشتند و در آنها مسأله‌های فصاحت کلام و سلاست سخن  
 مفصل شرح یافته‌اند. از این رو بلاغت کلام که شرطهای صحت، فصاحت، و سلاست سخن  
 را دربرمی‌گیرد، باید بنیاد تعلیم حسن بیان یا مدنیت سخن قرار گیرد. آداب سخن که در  
 تاریخ تمدن فارسی‌زبانان مقام بلند داشت و در این بابت سرآمدان سخن ملاحظه‌های<sup>۶۱</sup>  
 پرارزش بیان کرده‌اند، باید همچون یک رکن آداب معاشرت و عامل تکمیل مهارت سخنوری  
 در علم حسن بیان موقع مناسب اشغال نماید.

این همه تدبیرها بی‌شبهه به بهبودی زبان آموزی مدد می‌رساند، ولی تا زبان ادبی تاجیک  
 به وسیله‌ی اساسی مبادلات اجتماعی و سیاسی تبدیل نیابد، وظیفۀ جمعیتی<sup>۶۲</sup> خود را پوره و  
 بی‌کم و کاست به‌جا آورده نمی‌تواند.

● عبدالستار میرزایف: پیوسته با انکشاف با سرعت علم و تخنیک<sup>۶۳</sup>، معارف و مدنیت،  
 ادبیات و صنعت، اقتصادیات و سیاست و دیگر ساحه‌های زندگی، اینچنین<sup>۶۴</sup> وابسته با رونق  
 ترجمه‌ی ادبیات علمی و بدیعی زبان ادبی تاجیک نیز خیلی رواج گرفت، مخصوصاً ترکیب لغت  
 آن بیش از پیش تکمیل یافت و پوره گردید. پیوسته به این طرز نوشت‌گروههای جداگانه  
 کلمه و ترکیب و عباره‌ها که در قاعده‌های جاری املا انعکاس نیافته‌اند به‌میان آمده است.  
 دیگر اینکه قاعده‌های اساسی املائی جاری تاجیک نیز از نقصانهای جدی و مسأله‌های  
 بحثناک خالی نیستند. یکی از مسأله‌های جدی و حل طلب تاجیک تناسب بین حرف و  
 آوازی باشد. حل درست آن در کشایش گره بسیار مسأله‌های بحثناک املا کمک خواهد کرد.  
 از سوی دیگر مسأله تناسب بین حرف و آواز با الفبا پیوستگی قوی دارد. هر قدر که الفبا  
 مکمل و بی نقص باشد، خصوصیت‌های صوتیات زبان را به همان اندازه عنیق<sup>۶۵</sup> و روشن  
 انعکاس می‌نماید. اما متأسفانه الفبای موجودۀ تاجیک در بعضی موردها به این طلبات جواب  
 داده نمی‌تواند. از این جاست که چندی از حرفهای الفبای جاری تاجیک به صوتیاتمان  
 موافق نیست. برای برطرف کردن نارسائیهای املائی جاری در نوبت اول کمبودهای الفبا را  
 باید اصلاح کرد. این تقاضای زمان، تقاضای وضعیت امروزه زبان ادبی تاجیک است. عموماً  
 قاعده‌های اساسی املائی زبان ادبی تاجیک تحریر<sup>۶۶</sup> جدی می‌خواهند. برای حل درست  
 مسأله‌های بحثناک املائی تاجیک در مطبوعات مباحثه فراخی تشکیل باید کرد.

(۶۳) فن، تکنیک

(۶۴) همچین

(۶۵) روشن، دقیق

(۶۶) اصلاح

(۶۷) اکتور، هنرپیشه

(۶۸) ضربه، تکیه

(۶۹) مرتبط

(۷۰) عمیق

● غفار جوره‌یف: سخن جذّاب، بشیره و بُرای هنرپیشه اصیل باعث تقلید و پیروی  
 هزاران تماشاگر می‌گردد. سخن اکتیور<sup>۶۷</sup> دو جهت دارد: ظاهری و باطنی. جهت ظاهری که  
 به تلفظ آواها، زده<sup>۶۸</sup>، وقفه و غیره مربوط است، رعایه خصوصیت‌های طبیعی صوتیات زبان  
 ادبی تاجیک و خوب دانستن قاعده و قانونهای آن را تقاضا می‌کند. جهت باطنی که به افاده  
 معنا علاقه‌مند<sup>۶۹</sup> است، چقور<sup>۷۰</sup> دانستن مواد زبانی را طلب می‌نماید.  
 اگر گفتار اکتیوران ما را از همین نقطه نظر ارزیابی کنیم، نقصان زیادی را مشاهده

(۷۱) از آنجا که

(۷۲) «گویشهای زبان تاجیک به چهارگروه عمده تقسیم می‌شوند: گروه شمالی (سمرقند و بخارا، فرغانه شرقی و غربی، اوراتیوپ، پنجیکنت و غیره)، گروه مرکزی (سوخ، ریشتن وزرافشان)، گروه جنوبی (بدخشان، کولاب شمالی و جنوبی، کاراتگین و غیره) و گروه جنوب شرقی (گروه دارواز) [دروازه]. اختلاف میان این گویشها در آواها است. [همانگونه که بیشتر نیز گفته شد] گویشی که در دره زرافشان تکلم می‌شود و به گروه مرکزی گویشهای تاجیک تعلق دارد. معیار تلفظ تحصیلکرده‌های تاجیک است» [اقتباس از]: اقوام مسلمان اتحاد شوروی، ص ۳۷۷.

(۷۳) پله، مرحله

(۷۴) مدت‌ها است

(۷۵) گیومه

می‌نمائیم. یکی از آنها به تلفظ صداناک «۷» [او] علاقه‌مند است. از بس که<sup>۷۱</sup> این آواز از چارگروه لهجه‌های تاجیکی<sup>۷۲</sup>، در دو گروه آنها موقع ندارد، بنابراین در تلفظ اکتیوران ماهم یک رنگی به نظر نمی‌رسد. حال آنکه نورمای زبان ادبی رعایه آن را حتمی می‌داند. رعایه نشدن این آواز بعضاً خطاهای فاحشی را به میان می‌آورد که از آنها شخص سامع یا تماشاگر تأثرات ناخوش می‌برد. باری یک اکتیور هنگام قرائت پارچه شعری مصرع «گویی مرغ آفتابی از قفس پرواز کرد» را به صورت «گویی مرغ آفتابی از قفس پرواز کرد» خواند، که در نتیجه معنی تماماً خراب گردید.

● سید جعفر قادری: زینه<sup>۷۳</sup> امروزه «انکشاف» زبان ما آنگونه است که در اکثر کل جمع آمده‌ها، شوراها علمی و مجلسهای هرروزه به زبان تاجیکی سخن راندن نشانه کم‌سواد و بی‌مدینتی دانسته می‌شود. همین است که دایره استعمال زبان تاجیکی روزتاروز تنگ شدن دارد و در بعضی جبهه‌ها این زبان الکی<sup>۷۴</sup> از کار مانده است. چنانچه ما امروز نمی‌توانیم که حتی درباره زبان تاجیکی رساله علمی انشا کنیم (این منع است!)، حتی نمی‌توانیم که در حجت‌ها نام، کنیت و فامیل خود را با خواست خود ثبت گردانیم (این هم منع است!). این چگونه زینه انکشاف است و آیا این جا کلمه «انکشاف» را بی‌ناخنک<sup>۷۵</sup> آوردن رواست؟ در هر صورت آزادی زبان و آزادی گفتار را در زمان سانسالیسم از دست دادن نه سانسالیستانه است و نه کامونیستانه.

امروزها از منبرهای گوناگون عقیده دوزبانی ترغیب کرده می‌شود. این بی‌شک قدمی به پیش است، اما درد امروزه زبان ما را درمان بوده نمی‌تواند، زیرا قسمی از پایتخت نشینان در تلاش جاه و جلال گفتار به قول محمد اقبال «از هندی هم شیرین تر»<sup>۷۶</sup> مادر خود پرهیز کرده‌اند. بنده در سر این مسأله هیچ کس را طعنه کردنی نیستم. این مسأله به غایت نازک<sup>۷۷</sup> است و حل آن به جهان بینی، مدنیت، به وجدان هر یک فرد علاقه‌مندی دارد. ولی برای این طایفه «ضیائیان» دوران ما دوزبانی برابر یک زبانی است و این یک زبان بدون شک روسی است. فردی را از همین قبیل «ضیائیان» دیدم که در زبان گم‌کردگی خود نشانی از پشیمانی نداشت، بلکه یک نوع فخر داشت که «از زبان عقب مانده خود خلاصی یافته است» و زبان «پیشقدم» او آن گاه لال گشت که گفتمش: «تو که از زبان مادری خود روتافتی، مبادا پگاه<sup>۷۸</sup> یا روز دیگر فرزند یا نیره ات<sup>۷۹</sup> از تو عبرت گرفته، از زبان کنونی تو روگرداند و مدنیت خود را باز هم بلندتر برداشتنی شده» یگان<sup>۸۰</sup> زبان بین الخلقی تر را پیشه بکند، آن گاه حال تو و نسل تو چه می‌شود؟ یا این که تو خلق دیگری را از حساب شکستن سنتهای ملی خود احترام می‌گذاری؟ و این چه اقدامی خواهد بود؟ آخر این نهایت بی‌حرمتی است نسبت به زبان و مدنیت آن خلقها، و کسی که به خاطر احترام خلق دیگر به زبان و مدنیت مادر و خلق خود در دل مهر ندارد، برای هر دو خلق یک نوع خوف دارد.»

همین طریق، عقیده من در مسأله دوزبانی از عقیده معمولی به کلی فرق دارد، چه خوب می‌بود که همه جوانان ما، چه تاجیک و چه غیر تاجیک ساکن جمهوری ما در برابر زبانهای تاجیکی و روسی باز مثل برادران ماسکوی<sup>۸۱</sup> خود معمول ترین زبان معاشرت بین المللی، یعنی زبان انگلیسی را نیز به خوبی می‌دانستند. این جریان دانش اندوزی و محنت<sup>۸۲</sup> آینده آنان را آسان می‌گرداند، این را زمان تقاضا می‌کند. بی این مثلاً در جبهه علم با موفقیت پیش رفتن محال است.

برای آن که زبان ما چون زبان یک ملت سانسالیستی زنده و پاکیزه بماند، بسیار ضرور است که زبان یگانه دولتی باشد و در کل کارهای رسمی درون جمهوری استفاده شود. زبان

(۷۶) اشاره است به شعر اقبال: گرچه هندی در عذوبت شکر است / طرز گفتار دری شیرین تر است

(۷۷) ظریف، حساس

(۷۸) الف: صبح، بامداد؛ ب: فردا.

(۷۹) نوه

(۸۰) یک (علامت نکره)

(۸۱) مسکویی، اهل مسکو

(۸۲) کار، اشتغال



تاجیکی واسطهٔ وطن‌داری است و باید زنده و پاینده بماند.

(۸۳) مترجم‌های

(۸۴) بی کیفیت

(۸۵) باعث

(۸۶) انحطاط

(۸۷) خلاقیت

(۸۸) نمایش

(۸۹) فاحش، ناهنجار

● **عالم‌جاه قاسم اف:** مسئلهٔ ترجمه، تأثیر وی به زبان و نورماهای آن تدقیق مخصوص را خواهان است. ولی بی بردن دشوار نیست که فعالیت بعضی ترجمان‌های<sup>۸۳</sup> تصادفی و بی صلاحیت، ترجمه‌های بی صفت<sup>۸۴</sup> و حرف به حرف آنان به زبان ما تأثیر منفی رسانیده است. باعث گسترش کلمه و عباره‌های به طبیعت زبان تاجیکی ناموافق و بیگانه، سبب‌گار<sup>۸۵</sup> پست رفتن<sup>۸۶</sup> مدنیت سخن و حسن بیان گردیده است. ما در گزارش خود به ترجمهٔ نام‌کینو-فیلمها و برنامه‌های تلویزیونی متوجه شدیم. خواننده و تماشا بین تاجیک از ترجمهٔ برنامه‌های تلویزیونی و عنوان فیلمها باید به اندازه‌ای معلومات گیرد که صاحبان متن اصل این امکانیت را دارند. متأسفانه قسمی از عنوان فیلم و برنامه‌ها طوری ترجمه شده‌اند که از آنها معنی برداشتن محال است، در آنها عادی‌ترین قاعده‌های منطق رعایه نشده است. مثلاً از نام فیلم «اندوه بی حس» چه معنی را درک کردن ممکن است؟ مگر اندوه بی حس می‌شود؟ آیا اندوه خود یک حالت و حسیات انسان را دلالت نمی‌کند؟ ترجمان با کمال، «ایجادکاری»<sup>۸۷</sup> از عبارۀ «Skorbnoe beshustvie» (بی حسی اندوه آور) چنین یک عبارۀ از معنی و منطق محرومی ترتیب داده است.

زبان ترجمهٔ برنامهٔ تلویزیونی، کینو، روزنامهٔ «نوی گریهای اکران»<sup>۸۸</sup> به اندازهٔ ضروری تحریر و تصحیح نمی‌شود، در آن خطاهای دَغَل<sup>۸۹</sup>، جمله‌های بی منطق و کلمه و عباره‌های گوشخراش خیلی زیادند. برای اصلاح این نارساییها ضرور است که به‌کار، ترجمانی شخصان صلاحیت‌دار و مسؤول و مسؤولیت‌شناس جلب شوند، متخصصان زبان تاجیکی نیز نباید برکنار مانند. بلند برداشتن سویهٔ زبان ترجمهٔ بی تربیه و تهیهٔ ترجمانهای باصلاحیت امکان ندارد.

\*

### ● [خلاصهٔ قطعنامه]:

کانفرنتسیای ریسپوبلیکوی مسأله‌های مدنیت سخن در پرتو قرار کامیتت مرکزی پارتیای کامونیستی تاجیکستان و ساویت<sup>۹۰</sup> وزیران تاجیکستان «در بارهٔ تدبیرهای تکمیل تحصیل و تعلیم زبان تاجیکی در ریسپوبلیکا» دایر به مسأله‌های محاکمه شده<sup>۹۱</sup> قرار دخیل دار<sup>۹۲</sup> قبول کرد. در این حجت از جمله تأکید شده است که قرار کامیتت مرکزی پارتیای کامونیستی تاجیکستان و ساویت وزیران PCC<sup>۹۳</sup> تاجیکستان «در بارهٔ تدبیرهای تکمیل تحصیل و تعلیم زبان تاجیکی در ریسپوبلیکا» حجت مهم دورهٔ بازسازی بوده، برای بلند برداشتن اعتبار زبان تاجیکی و بهتر شدن تعلیم آن اقدام جدی به‌شمار می‌رود.

زبان ادبی تاجیک در دوران ساتسیالیزم خیلی انکشاف یافت. اما عمل زبان ادبی تاجیک در این دورهٔ تاریخی پوره و همه‌جانبه نبود. در یک قطار دانشکده‌های کسبه‌های<sup>۹۴</sup> تخنیکی و عالی ریسپوبلیکا زبان تاجیکی تعلیم داده نمی‌شود، ستودیای<sup>۹۵</sup> کینو به زبان تاجیکی فیلم نمی‌برآرد، دایرهٔ استفادهٔ زبان تاجیکی در اسلوبهای علمی و رسمی نهایت درجه محدود است. در مکتب خط کلاسیکی عربی اساس ما به درجهٔ لازمه آموخته نمی‌شود. در دانشکده‌های عالی تعلیم اسلوب‌شناسی، مدنیت سخن و سخنوری خوب به‌راه مانده<sup>۹۶</sup> نشده است. زبان تاجیکی به ناحیه‌های تاجیک‌نشین از یکستان به‌طرز باید و شاید دسترس نیست. در زبان مطبوعات و نشریات، رادیو و تلویزیون، تیاتر و کینو، کتابهای درسی، اثرهای ترجموی، رعایه نشدن نورمای زبان ادبی تیز-تیز<sup>۹۷</sup> دیده می‌شود. در نامگذاری کوچه و خیابانها، گلگشت<sup>۹۸</sup> و میدانها، کالخوز و ساوخوزها، دیبهه<sup>۹۹</sup> و پاسیولکها<sup>۱۰۰</sup>، رایون<sup>۱۰۱</sup> و

(۹۰) شورا

(۹۱) مورد مذاکره واقع شده

(۹۲) مربوطه [از]

(۹۳) حروف اختصاری «ریسپوبلیکای ساویتی

ساتسیالیستی» = جمهوری شوروی

سوسیالیستی.

(۹۴) پیشه‌ها، تخصصها

(۹۵) استودیو

(۹۶) به‌راه افتاده، شروع شده

(۹۷) کراراً

(۹۸) پارک، باغ ملی

(۹۹) ده، روستا

(۱۰۰) قصبه، کوی

(۱۰۱) منطقه، بخش

شهرها، در طرز نوشت نام پدر و فامیلیها عنعنه و قاعده‌های زبان نه همیشه رعایه می شوند. سطح مدنیت سخن شفاهی مردم خیلی پست می باشد، بسیار راهبران مؤسسه و تشکیلاتها به زبان تاجیکی درست سخن کرده نمی توانند. در اینستیتوت‌های تحقیقاتی و دانشکده‌های عالی برای قبول و تربیه جوانان زبان شناس شرایط مساعد موجود نیست. بنابراین کانفرنسیا ضرور می شمارد که نخست مناظره و مباحثه‌ها دایر به مسأله‌های حسن سخن متصل<sup>۱۰۲</sup> در ظرف دو سال گذرانیده شود.

کانفرنسیا توصیه می نماید که در ولایتها و شهر و ناحیه‌های ریسپوبلیکا چنین جمع آمدها متصل برگزار شوند. تعلیم فن حسن سخن در مکتب (در صنفهای<sup>۱۰۳</sup> بالا) و دانشکده‌های عالی (با فرق عدد ساعت در شعبه‌های فیلولوگی و غیرفیلولوگی) به راه مانده شود. لغت تفسیری زبان ادبی حاضره تاجیک و لغت اثرهای عینی<sup>۱۰۴</sup> هرچه زودتر نشر شوند، لغت تاجیکی- روسی را فوریترا به چاپ آماده ساخته، ترتیب دادن لغت آثار ادیبان مشهور کلاسیکی و ساویتی رواج داده شود. مأموریت<sup>۱۰۵</sup> اینستیتوت زبان و ادبیات به نام رودکی گروههای مخصوص آموزشی تأسیس کرده، تدقیق علمی مسأله‌های مدنیت سخن و تاریخ زبان را تأمین نماید، تحریر نوی قاعده‌های املائی زبان تاجیکی را زودتر انجام داده، به محاکمه<sup>۱۰۶</sup> اهل صلاح پیشنهاد کند.

نهایت، کانفرنسیا به ساویت عالی تاجیکستان مراجعت می کند،<sup>۱۰۷</sup> که زبان تاجیکی را در حدود ریسپوبلیکای ساویتی ساتسیالیستی تاجیکستان زبان دولتی اعلان نماید. درباره ستتوس<sup>۱۰۸</sup> دولتی زبان تاجیکی به کانستیتوسیای ریسپوبلیکا<sup>۱۰۹</sup> ماده مخصوص داخل کرده، کفالت<sup>۱۱۰</sup> استوار حقوقی و کانستیتوسیوی اجرای وظیفه‌های جمعیتی آن را تأمین سازد.

۱۰۲) بلاانقطاع، متداوماً

۱۰۳) کلاسهای

۱۰۴) مراد صدرالدین عینی (۱۹۵۴-۱۸۷۸)

بزرگترین ادیب معاصر تاجیک است.

۱۰۵) اداره

۱۰۶) مذاکره، بحث

۱۰۷) روی می آورد، درخواست می کند.

۱۰۸) موقعیت

۱۰۹) قانون اساسی

۱۱۰) ضمانت

معارف

دوره پنجم، شماره ۳

آذر - اسفند ۱۳۶۷

با مطالب زیر منتشر شد:

- دو اثر کهن در سماع
- پیدایش علم کلام و منزلت
- آن در میان علوم
- از روزبهان تا حافظ
- نکاتی چند از تفسیر شهرستانی
- ظهور کرامیه در خراسان ادموند بوژورت/اسماعیل سعادت
- نصرالله پورجوادی
- محسن جهانگیری
- علیرضا ذکاوتی قراگزلو
- پرویز اذکائی

معارف

دوره ششم، شماره‌های ۱ و ۲

فروردین - آبان ۱۳۶۸

با مطالب زیر منتشر می شود:

- ابومنصور اصفهانی
- «مقامات القلوب» ابوالحسین نوری
- تاریخ اولیة داستان لیلی و مجنون در ادبیات عرب
- مفهوم عدالت در اندیشه سیاسی ابن خلدون
- مقایسه چاپ جدید و قدیم «عقلاء المجانین»
- سیر مسأله توحید در عالم اسلام تا قرن هفتم هجری
- مرور در کتاب «نفثة المصدر»
- نصرالله پورجوادی
- اسماعیل سعادت، پل نویا/ علیرضا ذکاوتی قراگزلو
- کراچکوفسکی/ احمد شفیعیها
- سید جواد طباطبایی
- سید محمد راستگو
- عثمان اسماعیل یحیی/ علیرضا ذکاوتی قراگزلو
- سید محمد راستگو